

عناصر اساسی

نظام یکپارچه

مدیریت ریسک

اشکالات و ضعف‌های مبتلابه بانک، از سوی نظارت حضوری و تایید مراتب از سوی آن بخش نهایی تلقی گردیده و به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

(۴) پیگیری روند اصلاحات در بانک از طریق نظارت غیرحضوری (دریافت گزارش‌های خاص و فوری) و نظارت حضوری (مراجعه بیشتر به بانک جهت کنترل وضعیت) صورت می‌گیرد.

سخن پایانی

از آنجا که از نقطه نظر نظارت مبتنی بر ریسک، بانک (صرفنظر از تعداد شعب آن) به عنوان یک واحد تلقی شده و در حال معمول، مقام نظارتی (بانک مرکزی) عمدتاً با مدیریت عالی بانک و ادارات مرکزی (و نه شعب و واحدهای مربوطه) در تماس مستمر می‌باشد، بدین ترتیب، نقش بسیار مهمی در رابطه با نظارت و کنترل داخلی به عهده بانک‌ها گذاشته شده است. در این راستا، برای تسهیل گردش کار در داخل بانک‌ها، اعمال مدیریت مطلوب و همچنین پاسخگویی مقبول به مقام نظارتی ضروری خواهد بود که:

- ۱) بانک‌ها نظام اطلاعاتی و گزارش‌دهی خود را در تناسب با وضعیت جدید ارتقا دهند.
- ۲) در هماهنگی با مقررات احتیاطی جدید، تغییرات لازم در ساختار سازمانی بانک‌ها (ایجاد کمیته‌های مختلف مانند کمیته حسابرسی، کمیته ریسک، کمیته کنترل‌های داخلی و واحدهایی مانند مدیریت ریسک) لحاظ گردیده و سیستم کنترل داخلی به شدت تقویت شود.
- ۳) آموزش کارکنان بانک‌ها و علی‌الخصوص کارکنان واحدهای ذیربط در دستور کار قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- 1) Sahajwala, Ranjana and Van der Bergh, Paul / Supervisory Risk Assessment and Early Warning Systems / Basel Committee on Banking Supervision / Basely December 2000.
- 2) Ware, Derrick / Basic Principles of Banking Supervision / Central Banking Studies / Bank of England / May 1996.
- 3) Core Principles for Effective Banking Supervision / Basel Committee on Banking Supervision / Basel / December 1997.

(۴) سایت‌های اینترنتی مختلف از جمله:

www.bis.org
www.wikipedia.org
www.investopedia.com
www.cbi.ir
www.imf.org

■

مقدمه
انعطاف موسسات مالی به منظور مواجهه موفقیت‌آمیز با چالش‌ها و تغییرات دنیای فردا، یکی از ضروریات است و مدیریت حرفه‌ای ریسک‌ها نیز یکی از مهمترین حوزه‌هایی است که مستلزم انطباق موسسات مالی با شرایط جدید بوده تا بتوانند پیچیدگی روزافزون ناشی از مقررات، مشتریان و فناوری را درک کرده و به‌طور کارآمد فعالیت کنند. یک موسسه مالی، بدون چنین تطبیقی به احتمال زیاد با شرایطی روبرو خواهد شد که امکان ادامه فعالیت و درنهایت، حیاتش مورد تهدید قرار خواهد گرفت.

ورشکستگی‌های بانکی اخیر، افزایش هوشیاری بانک‌ها و مقررات‌گذاران را برای نظارت بیشتر ریسک‌های مربوط در صنعت بانکداری موجب شده است و متعاقب آن، مقررات جدیدی به اجرا گذاشته شده تا مدیریت و نظارت بر ریسک را در بانک‌ها، به‌ویژه در کشورهای گروه ده^(۱) تقویت نماید. اگرچه قبل از مقررات جدید نیز نظارت و مدیریت ریسک در صنعت بانکداری وجود داشت، اما توجهات اخیر مقررات‌گذاران بر توانایی بانک‌ها در اندازه‌گیری تاثیر کلیه ریسک‌ها به صورت یک مجموعه یکپارچه بر فعالیت آنها متمرکز شده است. یک نظام یکپارچه مدیریت ریسک علاوه بر تصاویر عملکردی (ولی کوچکتری) که از ادارات ذیربط مانند ادارات اعتباری، خزانه و غیره ارایه می‌کند، یک دید کلی از حد ریسک‌پذیری (Exposure) بانک را نیز فراهم می‌نماید.

قسمت عمده این مقاله دو موضوع اصلی را بررسی می‌نماید: اول، ریسک‌هایی که هر موسسه مالی برای موفقیت در کار خود باید با آنها مقابله نماید؛ و دوم، شرح مختصری از عناصر اصلی یک نظام یکپارچه موفق مدیریت ریسک در موسسات مالی.

ریسک در موسسات مالی

ریسک در یک موسسه مالی عبارتست از عدم اطمینان نسبت به نرخ موردانتظار بازدهی دارایی‌ها. اگر نخواهیم پذیرای

ورشکستگی‌های بانکی اخیر، افزایش هوشیاری بانک‌ها و مقررات‌گذاران را برای نظارت بیشتر بر ریسک‌های مربوط در صنعت بانکداری موجب شده است.

ریسک باشیم، حیات صنعت بانکداری نیز ممکن است دچار توقف گردد.

با توجه به این واقعیت که بانکها بخش عمده‌ای از وجوه خود را در دارایی‌های حساس به نرخ بهره (عمدتاً وام‌ها) سرمایه‌گذاری می‌کنند، از اینرو، با انواع مختلفی از ریسک مواجهند که می‌توان آنها را در قالب دو مقوله کلی طبقه‌بندی نمود: ۱) ریسک بازار محصول و ۲) ریسک بازار سرمایه. ریسک کلی هر بانک را می‌توان با ترکیب این دو مقوله برآورد نمود. [۱]

الف) ریسک بازار محصول: ریسک بازار محصول، جنبه‌های راهبردی و عملیات مدیریت درآمدها و هزینه‌های عملیاتی را نشان می‌دهد. اجزای اصلی ریسک‌های بازار محصول عبارتند از:

- ریسک اعتباری (ریسک قصور در بازپرداخت).
- ریسک راهبردی (تجاری).
- ریسک مقرراتی.
- ریسک عملیاتی.
- ریسک کالای خاص.
- ریسک منابع انسانی.
- ریسک قانونی.
- ریسک محصول.

ریسک اعتباری، معمولاً مهمترین بخش از ریسک کلی یک بانک است. لذا منطقی است که مدیریت ریسک اعتباری را از مدیریت سایر اجزای ریسک بازار محصول تفکیک کنیم.

ب) ریسک بازار سرمایه: بانکها علاوه بر ریسک‌های بازار محصول، با ریسک‌های بازارهای سرمایه‌ای که در آنها کار می‌کنند نیز مواجه هستند. ریسک‌های عمده بازار سرمایه را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

- ریسک نرخ بهره.
- ریسک مبنا (Basis Risk).
- ریسک نقدینگی.
- ریسک ارزی (Currency Risk).
- ریسک سیستم پرداخت‌ها.

به‌طورکلی، هر موسسه مالی کارآمد، باید هدف خود را بر نظارت و مدیریت تمامی عناصر ریسک در یک چارچوب دقیقاً تعریف‌شده بنا نماید. عناصر اصلی مدیریت ریسک در بخش بعدی همین ویژگی‌ها را بیان کرده است.

عناصر اصلی یک نظام یکپارچه و موفق مدیریت ریسک

برای ایجاد یک نظام یکپارچه و موفق مدیریت ریسک، باید بر اهمیت نیاز به فلسفه مدیریت سطح بالا و حمایت از

تجدیدساختار موسسه مالی برای خلق یک موسسه بهینه مبتنی بر ریسک تاکید شود. بدون وجود تعهدی قوی، خلق یک

محیط یکپارچه کنترل ریسک امکانپذیر نخواهد بود. [۲]

کمیته "تنظیم‌کننده مقررات سرمایه‌ای بانک تسویه‌های بین‌المللی"^(۲) در سال ۱۹۹۸ به موسسات مالی چندملیتی اجازه داد که برای محاسبه میزان سرمایه قانونی لازم، از مدل‌های داخلی اندازه‌گیری ریسک بازار مخصوص خود استفاده کنند. این مقررات می‌تواند نقطه شروع خوبی برای ایجاد نظام یکپارچه مدیریت ریسک باشد. در واقع، پیچیدگی فزاینده خدمات مالی در بازارهای مرتبط به هم و همبستگی شدید میان عناصر تجاری، موسسات مالی را به حرکت به سوی استانداردهای شایسته مدیریت ریسک خود واداشته است.

مدیریت یکپارچه ریسک، فرایندی است که یک بانک را قادر می‌سازد تا کلیه ریسک‌های خود را به‌طور همزمان اندازه‌گیری و مدیریت نماید. این فرایند، همچنین ابزارهای لازم برای ارزیابی پرتفوی بانک را با استفاده از مقوله‌های یکپارچه بازدهی تعدیل‌شده نسبت به ریسک، فراهم می‌نماید. لازمه اساسی چنین نظامی، ایجاد یک ابزار اندازه‌گیری استاندارد و پذیرفته‌شده عمومی است تا مدیریت بانک بدان طریق قادر باشد که بین امتیاز هر معامله در طیفی از ریسک و بازده تمایز قایل گردد. هر واحد اندازه‌گیری یکپارچه، می‌تواند بر مبنایی مشترک و با استفاده از متدولوژی "ارزش تحت ریسک" (Value-at-Risk - VAR) محاسبه شود.

بانکها برای رسیدن به یک معیار یکپارچه ریسک، باید معیارهای ریسک بازار تجاری (معاملات)، ریسک اعتباری و نهایتاً ریسک‌های عملیاتی را با یکدیگر تلفیق نمایند و بدین منظور، موسسه مالی ذیربط باید یک چارچوب بسیار مناسب و یکپارچه برای مدیریت کل ریسک داشته باشد. این چارچوب باید موارد زیر را دربرداشته باشد:

الف) سیاست‌های ریسک: یک نظام یکپارچه مدیریت ریسک باید بر عناصر اصلی مدیریت ریسک متمرکز باشد. این عناصر عبارتند از: مدیریت حد (Limit Management)، تجزیه و تحلیل ریسک، تخصیص سرمایه، هزینه و قیمت‌گذاری ریسک، و مدیریت پورتفوی بانک ذیربط.

سیاست‌های مربوط به مدیریت ریسک باید از استراتژی تجاری موسسه مالی مربوطه و همچنین گروه ریسک انتخاب‌شده از سوی مدیریت جدا شوند. برای هرکدام از عناصر ریسک تحت مدیریت (یعنی ریسک بازار معامله، ریسک اعتباری و ریسک عملیاتی) باید یک سیاست مشخص ریسک تدوین شود.

هر سیاست ریسک بازار باید قادر باشد تا با یک شیوه آماری (یعنی در قالب عدد و رقم) بدترین حالت زبان قابل قبول

■ ■ ■
ریسک در یک موسسه مالی، عبارتست از عدم اطمینان نسبت به نرخ موردانتظار و بازدهی دارایی‌ها.
■ ■ ■

یک موسسه مالی را طی یک دوره زمانی معین توضیح دهد. اینچنین سیاستی، باید تمامی سناریوهای ممکن و حرکت‌های منحنی بازده شامل انتقالات منحنی در اثر حالات مختلف ساختار نرخ بهره را در نظر بگیرد.

یک سیاست بهینه ریسک اعتباری، امکان اندازه‌گیری روزانه کلیه ریسک‌های مرتبط، شامل موارد مربوط به حساب‌های خارج از ترازنامه را به ما می‌دهد. این اندازه‌گیری‌ها باید براساس محاسبه "ارزش روز بازار" (Mark-to-market) به علاوه میزانی برای حد ریسک‌پذیری مربوطه صورت گرفته باشد.

سیاست‌های ریسک عملیاتی مناسب، کلیه زیان‌های ممکن ناشی از اتفاقاتی مانند عدم موفقیت (ناکامی) تکنولوژی، وقفه تجاری یا نقض فرایندها را مورد رسیدگی قرار می‌دهد. محیط‌های درونی یا بیرونی که یک بانک در آن کار می‌کند، می‌تواند ریسک‌های عملیاتی را به بار آورد. این ریسک‌ها به‌طور مشخص می‌توانند توسط بازارها، تکنولوژی، استراتژی‌ها، مشتریان، خدمات یا مدل‌های به‌کارگرفته‌شده توسط موسسات مالی ذیربط به‌وجود آیند. سیاست ریسک عملیاتی مناسب، باید اساساً به اموری همچون ریسک‌های محصولات جدید، نظام‌ها و همچنین تطبیق با مقررات بپردازد. (ب) **مستدولوژی‌های ریسک:** مستدولوژی در نظام‌های مدیریت ریسک، کاربرد فرمول‌های مقتضی برای اندازه‌گیری ریسک و ایجاد اطمینان از به‌کارگیری مستدولوژی‌های پذیرفته‌شده را مورد بررسی قرار می‌دهد. به‌طور مثال، کاملاً پذیرفته شده است که ریسک بازار و ریسک اعتباری، باید با استفاده از مدل و چارچوب "ارزش تحت‌ریسک" تعریف و مشخص شوند. موسسه مالی باید تحت این چارچوب به ایجاد ابزارهای اندازه‌گیری مناسب بپردازد تا اطمینان حاصل شود که در چنان محدوده کارآمدی عمل می‌کند که نیازمند اجرای روش "بازده تعدیل‌شده نسبت به ریسک سرمایه" (Risk-Adjusted Return on Capital - RAROC) می‌باشد.

ذکر این نکته هم ضروری است که در عرف تعدیلات ارزش‌گذاری، قیمت متوسط بازاری معامله منهای مجموع زیان اعتباری موردانتظار، و در هنگام ارزش‌گذاری یک معامله مشتقه همگن، هزینه‌های اداری ذیربط موردتوجه قرار می‌گیرد. بنابراین، لازم است که منطق نگرش بانک به برآورد زیان اعتباری موردانتظار، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. همچنین توصیه می‌شود که تعدیلات اضافی باید علاوه بر هزینه‌های تامین مالی و سرمایه‌گذاری، در مورد "هزینه‌های نهایی‌کردن" (Finalization Costs) مثل حذف ریسک بازار نیز انجام شود.

(پ) **زیربنای مدیریت ریسک:** برای پی‌ریزی یک نظام

یکپارچه مدیریت ریسک، فقط مستدولوژی و سیاست‌ها کافی نیستند، بلکه برای تکمیل این فرایند و موثربودن آن، یک زیربنای مناسب نیز باید وجود داشته باشد. زیربنا یا زیرساخت هم از چندین لایه مختلف تشکیل شده است که در راس آنها، افراد ذیربط قرار دارند. این افراد با مهارت زیاد و آموزش‌های مناسب خود عملاً تاثیر اصلی را بر جای می‌گذارند.

کیفیت اطلاعات و داده‌های در دسترس نیز از عناصر مهمی است که مدیریت را قادر به تبدیل ارقام بازار به اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری می‌نماید.

توانایی موسسه مالی در یکپارچه‌سازی عملیات و تکنولوژی مدیریت ریسک، عنصر کلیدی است که برای مدیریت موفق ریسک امری بسیار حیاتی بشمار می‌آید. نظام مدیریت ریسک، یکی از اجزای لازم و تشکیل‌دهنده زیرساخت برنامه یکپارچه مدیریت ریسک است. موسسات مالی موفق باید از توان به‌کارگیری تکنولوژی پیچیده در امور مدیریت ریسک خود برخوردار باشند.

خلاصه و نتیجه‌گیری

عناصر اصلی ریسک‌ها و اجزای اساسی یک نظام موفق یکپارچه مدیریت ریسک، به‌طور خلاصه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت و بر این نکته تاکید شد که تعهد مدیریت ارشد برای ایجاد نظام یکپارچه مدیریت ریسک، عنصر اصلی برای کسب موفقیت بشمار می‌رود. به‌علاوه، برای تطبیق موفق با یک محیط جدید تماماً کنترل‌شده ریسک، به یک فلسفه مشخص و تعریف‌شده و همچنین منابع کافی نیاز داریم. ریسک‌هایی را که در یک موسسه مالی باید اندازه‌گیری، کنترل و مدیریت شوند، می‌توان به سه دسته طبقه‌بندی کرد: اعتباری، بازاری و عملیاتی. در طی متن توضیح مختصری در مورد هرکدام و اجزای متشکله آنها ارائه گردید. همچنین عناصر چارچوب مدیریت ریسک در قالب مفاهیم سیاست‌های ریسک، مستدولوژی‌های ریسک، و زیربنای مربوطه تشریح شد.

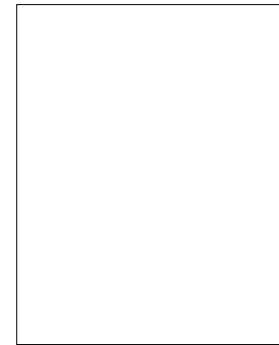
یک نظام یکپارچه مدیریت ریسک، علاوه بر موارد فوق‌الذکر، باید شامل نظامی برای اندازه‌گیری دقیق ریسک و نظامی برای ترکیب (تلفیق) ارزش این ریسک‌ها باشد. ■

زیرنویس‌ها

(۱) کشورهای گروه ۱۰ (G10) عبارتند از آلمان، سوئد، آمریکا، سوئیس، کانادا، ایتالیا، هلند، فرانسه، بلژیک، ژاپن.

2) The Committee on Regulatory Capital of the Bank for International Settlements.

کمیته‌ای که درصد سرمایه به دارایی بانک‌ها را تعیین می‌کند. برگرفته از گزارش از اداره مطالعات و سازمان‌های بین‌المللی بانک مرکزی.



■ ■ ■
مدیریت یکپارچه ریسک، فرایندی است که یک بانک را قادر می‌سازد تا کلیه ریسک‌های خود را به‌طور همزمان اندازه‌گیری و مدیریت نماید.
■ ■ ■

■ ■ ■
موسسات مالی موفق باید از توان به‌کارگیری تکنولوژی پیچیده در امور مدیریت ریسک خود برخوردار باشند.
■ ■ ■